



درسنامه‌ی درس: فارسی پنجم

درس سوم



رازی و ساخت بیمارستان



واژه آموزی:

کلمه های غیر ساده {کلمه+گر ، کلمه+گار}

آهنگر-رفتگر-زرگر

آهن-رفت-زر واژه های ساده‌ای هستند ولی چون {گر} به آن ها اضافه شده است به کلمه های غیر ساده تبدیل شده اند.

نکته اول: کلمه هایی که با پسوند «گر» ترکیب می شوند ، صفتی می سازند که شغل و پیشه را نشان می دهد.

کلمه هایی که با پسوند «گار» ترکیب می شوند به کسی اشاره می کند که کاری انجام می دهد

مثال: پروردگار: پرورش دهنده، خدا—آفریدگار: به وجود آورنده، خدا

نکته دوم: جزء معنی ساز یا «وند» هنگام افزوده شدن به کلمه همامکن است پیش از کلمه، میان دو کلمه یا پس

از کلمه بیاید، که به ترتیب پیشوند، میان وند و پسوند نامیده می شود.

پیشوند+ کلمه ← کلمه ی غیر ساده	کلمه + میانوند+ کلمه ← کلمه غیر ساده	کلمه + پسوند ← کلمه غیر ساده
بی + سلیقه ← بی سلیقه	پرس + و + جو ← پرس و جو	کوزه + گر ← کوزه گر
با + هنر ← با هنر	سر + ا + سر ← سراسر	بیمار + ستان ← بیمارستان

نکته ها:

نشانه گذاری:

& در پایان جمله خبری نقطه (۰) می گذاریم. علی با هوش است.

& در پایان جمله پرسشی علامت سوال (?) می گذاریم. شما چند سال دارید؟

& در پایان جمله امری نیز نقطه می گذاریم. علی صبحانه ات را بخور.

& در پایان جمله عاطفی (تعجبی) علامت (!) می گذاریم. چه آسمان پر ستاره ای!

انواع صفت ها:

❖ صفت ساده: خوب، بد، زیبا، بزرگ، دانا

❖ صفت تفضیلی (برتر): زیباتر، بزرگتر، سالم تر، بدتر

❖ صفت عالی (برترین): بزرگ ترین، زیبا ترین، زشت ترین، باهوش ترین

تاریخ ادبیات:

درس « رازی و ساخت بیمارستان » با تدوین « محمد میر کیانی » و با تلفیق از کتاب « زکریای رازی » نوشته شده است.



کلمه های هم خانواده:

اندیشید، اندیشه، اندیشمند	طبيب، طب، مطب	تعجب، متعجب عجيب، عجایب	توانا، توانایی، توانمند	فاسد، فساد، مفسد
شرط، شرایط، مشروط	رهنما، راهنمایی	موفقیت، توفیق، موفق	شوق، اشتیاق، تشویق	دانش، دانشمند، دانشگاه



کلمه های متضاد:

کهن # جدید	تازه # کهنه	پاکیزه # کثیف	مناسب # نامناسب	بد # خوب	بزرگ # کوچک	خندید # گریست
برتر # پست تر	برنا # پیر	نزدیک # دور	بدبو # خوش بو	سالم # بیمار	بلند # کوتاه	توانا # ناتوان



کلمه های هم معنی:

روزگاران کهن: زمان های قدیم	گرمابه: حمام محلی	بخش: قسمت، جا، مکان	پرس و جو: پرسیدن
خلاصه: به هر حال، کوتاه شده	طبيب: پزشک	تصميم گرفتند: اراده کردند	هوس: آرزو، میل
در دل خندیدند: مسخره کردند	فراخواند: صدا زد، دعوت کرد	شگفت زده: متعجب، متحیر	خون سردی: بر دباری، آرامش
فاسد: معیوب: خراب	پاکیزه تر: تمیزتر، پاک تر	فرق: تفاوت، اختلاف	بلند آوازه: معروف، مشهور
دست بردار نبود: آن را رها نمی کرد	سمت: سو، طرف	دانایی: آگاهی	هوشیاری: باهوشی، آگاهی
خرد: عقل	سربلندی: سرافرازی	رهنمای: راهنما	بلند: دراز، افراشته
دست گیرد: کمک می کند	دلگشای: خوشایند	سرا: خانه	هر دو سرا: دنیا و آخرت
گرای: گراییدن	گزند: آسیب	برنا: جوان	شکوه: جلال، بزرگی

خرد رهنمای و خرد دلگشای

به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه، پرنگذرد

معنی: به نام آفریدگار جان و اندیشه آغاز می کنم که اندیشه ای برتر و بهتر از این (شروع هر کاری با نام خدا) از ذهن انسان نمی گذرد.

خرد رهنمای و خرد دلگشای / خرد، دست گیرد به هر دو سرای

معنی: عقل، راهنما و دلگشا و کمک کننده ی انسان در هر دو جهان است

به دانش گرای و بدو شو بلند / چو خواهی که از بد نیابی گزند

معنی: به علم و دانش روی بیار و با آن رشد کن اگر می خواهی که از بدی ها آسیب نبینی

ز نادان، بنالد دل سنگ و کوه / ازیرا ندارد بر کس، شکوه

معنی: دل و جان سنگ و کوه نیز از نادان می نالد زیرا در نزد هیچکس بزرگی و شکوه ندارد

توانا بود، هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود

معنی: هر کس که دانا و عاقل باشد، توانا و قدرتمند است و از دانش و دانایی حتی دل انسان پیر نیز جوان می ماند



تاریخ ادبیات:

ابوالقاسم فردوسی توسی، شاعر حماسه سرای ایرانی و سراینده ی شاهنامه، حماسه ی ملی ایران است وی در قرن چهارم هجری می زیست در مدت سی سال شاهنامه را سرود، هدف او زنده نگاه داشتن زبان فارسی بود.

فردوسی رابزرگترین سراینده ی پارسی گوی دانسته اند که شهرت جهانی برخوردار است. فردوسی را حکیم سخن و حکیم توس گویند.